

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

- ۴۶ – محمد اسلم خان سیغانی – او از قوم محمد زایی و میر شکار حضور بود، در شطرنج بازی مهارت زیاد داشت، از آن جهت اکثراً در حضور عبدالرحمان خان و بعداً در زمان حبیب الله خان با شطرنج بازان ماهر مسابقه می نمود. در حادثه مشروطیت مورد عفو قرار گرفت و محبوس نشد.
- ۴۷ – حاجی محمد اکبر خان یوسفی از جمله منورین کابل بود که در سال ۱۳۲۲ هـ ق (۱۹۰۴ م) به حیث مرزای تحویلخانه های ماشین خانه کابل کار میکرد، چون شخص ترقی پسند و منور بود در جمله مشروطه خواهان شامل و در همین رابطه محبوس گردید اما به زودی رها شد. در سال ۱۳۰۱ هـ ق (۱۹۲۲ م) در عصر امانی به حیث قونسل افغانی در بمبئی و بعد به حیث وکیل تجار افغانستان در هند مقرر شد. در اواخر سلطنت امانی به حیث رییس سرحدات گماشته شد و در دوران حکومت حبیب الله کلکانی ۱۳۰۸ هـ ق (۱۹۲۹ م) برای نادر خان کار میکرد، در کابینه اول سردار محمد هاشم خان برای چند ماه وزیر تجارت مقرر شد و بعد مورد خشم حکومت قرار گرفته از کابینه اخراج و خانه نشین شد، تا اینکه در ۱۳۲۰ هـ ق (۱۹۴۲ م) معین مجلس اعیان مقرر گردید. موصوف کتابچه تطبیق سنوات نگاشته که در برج قوس ۱۳۴۲ هـ ق (۱۹۶۳ م) در مطبعه عمومی کابل چاپ شد.
- نامبرده در حدود سال ۱۳۴۵ هـ ق (۱۹۶۶ م) در کابل وفات نموده در مقبره قول آبچکان دفن شد.
- ۴۸ – محمد جان طرزی .
- ۴۹ – محمد حسین خان اچکزی – مشارالیه از اچکزایی های کابل، آدم منور و عضو مشروطه خواهان اول بود. او با سایر مشروطه طلبان محبوس گردید اما با جلوس امان الله خان به تخت سلطنت، رها شد.

۵۰ - محمد یعقوب خان پسر سرور خان پروانی .

۵۱ - مولا خان از مردم بدخشان و برادر بزرگ محمد اکیل خان فرقه مشر و از جمله مشروطه خواهان بود ، در شیرپور محبوس و با جلوس امان الله خان به تخت سلطنت ، از حبس رها شد .

۵۲ - محمد عیلام نواسه سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله بود .

۵۳ - حسن خان برادر زاده سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله

علاوه از اعضای « جمعیت سر ملی » که در فوق از آنها یاد آوری شد ، تنی چند در بین نهضت مذکور ظاهراً به صفت اعضای حزب امداد واقع از طرف دولت در بین جنبش نفوذ کرده برای کشف تصاویر ، اقدامات و فعالیت های مشروطه خواهان مؤظف گردیده بودند . گماشتن جاسوسان از مدت ها قبل جزء سیاست قدرت های بزرگ و رژیم های استبدادی گردیده بود که از آن شیوه برای پیشبرد نیات و اهداف خویش کار می گرفتند . در تاریخ معاصر افغانستان شبکه جاسوسی دوره سلطنت امیر عبدالرحمان خان بسیار وسیع ، مخوف و غیر انسانی بود . در عهد پادشاهی امیر حبیب الله خان نیز برای سرکوب دشمنان سلطنت و به خصوص به خاطر جلوگیری از گسترش نظریات آزادی خواهی نیز از جاسوسان کار گرفته میشد . تا جاییکه تحقیقات و مدارک دست داشته نشان میدهد جاسوسان ذیل با وجود تدابیر جدی و مراعات اصول مخفی کاری در داخل جنبش رخنه کرده بودند :

۱ - ملا منهاج الدین : ( به قول غبار ، حبیبی و پوهنیار )

نامبرده از شنوار مربوط ولایت جلال آباد و معلم شهزاده محمد کبیر خان بود . ملا منهاج الدین بعد از ارائه راپور جاسوسی به امیر حبیب الله خان در ۱۹۰۹ م مورد تنفر مشروط خواهان قرار گرفت با وجود آنهم در دوره امانی هنوز موقف دولتی داشت و به حیث مدیر جریده ستاره افغان چاریکار ایفای وظیفه مینمود ، اما بنا بر مخالفت مشروطه خواهان توسط وزیر معارف وقت - محمد سلیمان ازمدیریت ستاره افغان برطرف و برای اجرای کارهای مخبری به ولایت قطغن و بدخشان فرستاده شد .

۲ - عبدالحق : ( به قول حبیبی و پوهنیار ) :

قرار اظهار مرحوم حبیبی تنها میر سید قاسم خان از او نام می برد ، دیگران نام او را تذکر نداده اند . این نکته قابل توجه است که این عبدالحق غیر از عبدالحق ارغند یوال است که ذکرش بصورت جداگانه قبلاً درجمله مشروطه خواهان رفت .

۳ - محمد عظیم خان : ( به قول غبار و حبیبی )

موصوف در عصر سلطنت امیر حبیب الله خان کارگزار فابریکه حربی کابل بود و به یکی از فامیل های ماهر اسلحه ساز تعلق داشت . پیرامون جاسوسی محمد عظیم خان در صفحه ۲۹۲ « جنبش مشروطه خواهی در افغانستان » تألیف پوهاند سید سعدالدین هاشمی چنین تذکر رفته است :

« ... در يك جای دیگر این سند تاریخی ( اسناد محرم 22 . L.P.S ) ذکر شده که : استاد محمد عظیم و ملا منهاج الدین راپور دهندگان وطنه به حضور امیر حبیب الله خان آورده شدند و امیر به هر کدام شان مبلغ يك هزار روپیه ، بخشش داد و نیز فرمان داد که سالانه مبلغ يك هزار روپیه برایشان تادیه شود . قرار اظهار مرحوم غبار بعد از تقدیم راپور مخبری و فهرست اسمای مشروطه خواهان محمد عظیم خان به مراتب بلندتر ارتقاء

نمود. در عصر امانی نیز از امتیازات خاص برخوردار بود، چنانچه برای خریداری اسلحه در سال ۱۳۰۰ هـ به اروپا (ایتالیا و المان) رفت و در جریده آزاد شرق برلین عکس او در جمله رجال افغانی نشر گردید و در کابل به برگد عظیمو شهرت داشت. (۶۹)

### پ- گروپ معلمان هندی :

دوره ۲۱ ساله سلطنت امیر عبدالرحمان خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) از نظر تعمیم معارف و فرهنگ جدید یکی از تاریکترین دوره های تاریخ معاصر افغانستان به شمار میرود، چه نه تنها در این زمان طولانی برای بسط و اشاعه معارف اندک توجه صورت نگرفت، بلکه برای جلوگیری از گسترش آن اقدامات عمدی نیز بعمل آمده است. چنانچه نشرات و رسالات خرافاتی و اساطیر از هند بریتانوی مثل سیل در افغانستان می ریخت و نسل جوان کشور را به جانب فالگیری و اوها م و تاریکی رهنمونی مینمود. (۷۰)

یکی از تفاوت های بیکه امیر حبیب الله خان با سلف خود داشت این بود که اولی مرد نسبتاً با سواد در جمله شاهان سلسله خاندان محمد زایی محسوب میشود و یکی از کارهای عمده او تهادب گذاری معارف و فرهنگ جدید (ولو به سویه ابتدایی) در افغانستان است.

در سال ۱۹۰۳ م هنگامیکه مکتب حبیبیه ایجاد میشد (۷۱) معلمین و استادان افغانی با تدریس علوم جدید اروپایی آشنایی نداشتند و در کشور مانند سایر ممالک اسلامی «علوم حکمت، فلسفه ریاضی مطابق نصاب تعلیمی قرون وسطایی» علوم متداوله عصر را تشکیل میداد. بناءً امیر و درباریان تصمیم گرفتند تا یک تعداد معلمین مسلمان هندی را (هندی ها قبلاً با آمدن سیستم استعماری انگلیس و ایجاد مکاتب و دانشگاه های نوین با علوم و معارف جدید بعد از انقلاب صنعتی و رنسانس آشنایی داشتند) برای تدریس لسان و علوم طبیعی برای مکتب حبیبیه استخدام نمایند. به قول پوهاند حبیبی اولین دسته از معلمین هندی که به افغانستان جلب شدند داکتر عبدالغنی و برادرانش مولوی نجف علی و محمد چراغ (۷۲) بودند، ۱۹۰۳. اما با زهم همین محقق در صفحه ۶۷ «جنبش مشروطیت در افغانستان» از قول میر سید قاسم خان مینویسد: «چون نایب السلطنه سردار نصرالله خان به دعوت ملکه ویکتوریا به لندن رفت (۱۳۱۲ هـ ق - ۱۸۹۵ م) وی (داکتر عبدالغنی) به خدمتش آمد و گاهی به حیث مترجم کار میکرد، تا که سردار هنگام مراجعت خود او را به آمدن افغانستان دعوت کرد و سال بعد به کابل آمد و پس از حافظ احمدالدین به حیث مدیر مدرسه حبیبیه مقرر گردید. برادر بزرگش مولوی نجف علی و برادر کهنترش مولوی چراغ علی نیز در جمله معلمین همین مدرسه بودند.» بنا بر اظهارات فوق الذکر داکتر عبدالغنی و برادرانش نه در سال ۱۹۰۳ م بلکه باید در سال ۱۸۹۶ م به افغانستان آمده باشند و طوریکه قبلاً ذکر شد بعد از حافظ احمدالدین دومین مدیر مکتب حبیبیه باشد. سید مسعود پوهنیا را آمدن داکتر عبدالغنی را به افغانستان دو سال بعد از مراجعت سردار نصرالله خان نایب السلطنه از لندن ذکر میکند (۱۸۹۷ م).

به هر صورت داکتر عبدالغنی پنجابی به علاوه آنکه مدیر مکتب حبیبیه و عضو «جمعیت سر ملی» بود مسؤولیت ریاست گروپ معلمان هندی را نیز عهده دار بود. چون اعضای گروپ معلمان هندی قبلاً بصورت پراکنده در جاهای مختلف معرفی شدند، اکنون فهرست مکمل آنها را تا جاییکه مقدور است جمع آوری نموده ثبت این اثر می نمایم:

(۱) حافظ احمدالدین: (حقیقت التواریخ)

اولین مدیر مکتب حبیبیه و عضو انجمن معارف افغانستان .

۲) قادر بخش : ( حقیقت التواریخ )

۳) محمد ارشاد : ( حقیقت التواریخ )

۴) مولوی معراج الدین : ( حقیقت التواریخ )

معلم مکتب حبیبیه و عضو انجمن معارف افغانستان .

۵) داکتر عبدالغنی ( غبار ، حبیبی و پوهنیار )

دومین مدیر مکتب حبیبیه و رییس حلقه معلمین هندی .

۶) مولوی نجف علی : ( غبار ، حبیبی و پوهنیار )

برادر بزرگ داکتر عبدالغنی معلم مکتب حبیبیه

۷) محمد چراغ ( غبار )

برادر کوچک عبدالغنی

۸) مولوی محمد حسین : ( غبار ، حبیبی و پوهنیار )

معلم مکتب حبیبیه، مدیر مکاتب ابتدایی کابل و رییس تدریسات عمومی وزارت معارف و عضو حلقه معلمان

هندی .

ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**